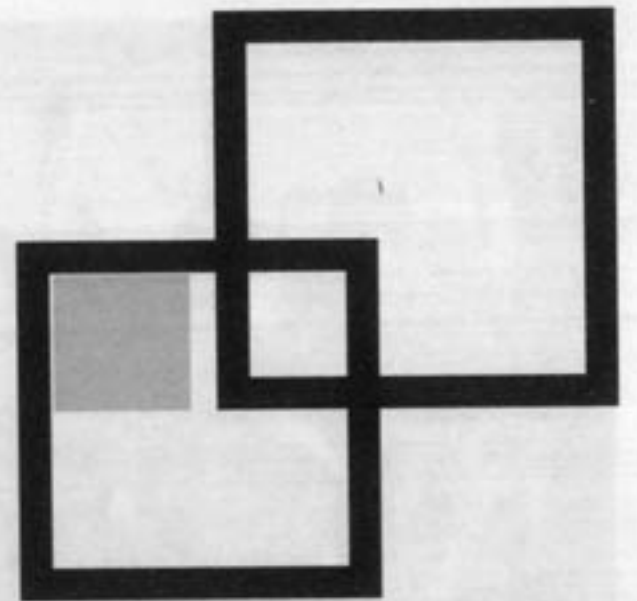


قهوه‌خانه‌ها و نقالی و نقاشی



حامد قاسمی

قهوه‌خانه‌ها در ایران

نخستین قهوه‌خانه‌ها در ایران در دوره صفویان، وبه احتمال زیاد در زمان سلطنت شاه تهماسب (۹۳۰-۹۸۴ق)، در شهر قزوین پدید آمد. بعدها در زمان شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ق) در شهر اصفهان توسعه یافت اما در دوره قاجار، به خصوص دوره ناصرالدین شاه بود که زمینه‌های گسترش قهوه‌خانه در شهرهای بزرگ از جمله تهران فراهم گردید.

قهوه‌خانه‌ها در آغاز، همان‌گونه که از نامشان پیداست جای قهوه‌نوشی بود. با آمدن چای به ایران و کشت این گیاه در بعضی از مناطق شمالی و ذائقه پذیر شدن طعم چای دم کرده میان مردم، کم‌کم جای قهوه را در قهوه‌خانه‌ها گرفت. اما علیرغم معمول شدن چای نوشی، نام قهوه‌خانه همچنان باقی ماند.

قهوه‌خانه‌ها ابتدا در بازارهای محلات شهرها، در کنار مجموعه‌ای از واحدهای صنفی مهم مانند نانوايي، بقالی، قصابی، حمام و... پدید آمد و به مرور به مناطق تجمع پیشه‌ها مسافر‌خانه‌ها، گاراژهای مسافربری و... توسعه یافت.

بنای قهوه‌خانه‌ها

ساختمان قهوه‌خانه‌ها طرح و الگوی یگانه و مشخصی نداشته و در طول حدود چهارصد سالی که از پیدایش قهوه‌خانه در ایران می‌گذرد، معماری ساختمان آن در مقاطع تاریخی و در هر شهر و دیار به شکل‌های گوناگون پدیدار شده است. بنای بیرونی و فضای درونی ساختمان سرپوشیده قهوه‌خانه‌های هر شهر، معمولاً متأثر از ویژگی‌های بافت کلی معماری ساختمان‌ها و فرهنگ مردم و نیازهای اجتماعی آن سامان

گرچه پرداختن به مبحث قهوه‌خانه و چگونگی شکل‌گیری آن بیشتر در حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی مطرح است اما در روزگاری که فرهنگ کتابخوانی در بسیاری از جوامع و نیز در کشور ما نهادینه نشده بود و شمار کتابخانه‌ها بسیار اندک و جامعه باسوادان به شدت قلیل بوده و نیز سیستم اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای برای انتقال فرهنگ بومی در زمینه باورهای دینی، حماسی، رزمی و بزمی شکل نگرفته و گسترش نیافته بود، قهوه‌خانه نقش برجسته‌ای در زمینه داستان‌سرایی و سخنوری و نقالی داشته و عرصه گاه هنر نقاشی نیز بوده است. لذا در این مجله از این منظر می‌توان به مبحث قهوه‌خانه و نقالی و نقاشی قهوه‌خانه‌ای پرداخت. همکار جوان ما آقای قاسمی با انتخاب این سوژه گسترده و تخصصی می‌بایست به مطالعات و پژوهش‌های گسترده‌ای دست می‌یازید و با متخصصین مربوطه رایزنی بیشتری می‌نمود.

دفتر مجله به منظور تشویق و ایجاد انگیزه بیشتر در نیروهای جوان، ضمن افزودن مطالبی تکمیلی در کلیات موضوع، خصوصاً رویکردهای اجتماعی قهوه‌خانه در قالب تکمله‌ای مقدماتی، اقدام به چاپ مقاله یاد شده می‌نماید با این امید و باور که ان شاء... توسط محققین دیگر، در فرصت‌های مناسب، و با ارائه مقالات جامع‌تر این تحقیق پی گرفته شود.

دفتر مجله





دیوار کوب‌ها، آویزهای سنتی و دیواری، اسباب و ظروف توری و تو طاقچه‌ای، و اشیاء و نمادهای مذهبی را در برمی‌گیرد. قهوه‌خانه‌دارها بیشتر از اسباب و ظروف بدل چینی، سفالینه‌های لعابدار همدان و تهران و دیزی‌های سنگی مشهد و قم، اسباب و ظروف مسی، برنجی و ورشوی کاشان و اصفهان و بروجرد در قهوه‌خانه‌ها استفاده می‌کردند. بعضی از اسباب و اشیای قهوه‌خانه‌های قدیم، به خصوص اشیای تزئینی، مانند کوسن، قلیان‌های چینی و بلوری نقش و نگاردار، و سرقلیان‌های چینی صورت‌دار، ساخت خارج و وارداتی بودند. با افزایش تمایل به صرف قهوه در دربار صفوی، شغل قهوه‌چی‌گری نیز پدید آمد و از مناصب مهم درباری شد. از طرف دیگر با توسعه قهوه‌خانه‌ها در شهرهای مختلف ایران، این مراکز در شمار یکی از واحدهای معتبر صنفی در آمد، و رفته رفته قهوه‌چی‌گری یکی از پیشه‌های رسمی و شناخته شده جامعه شناخته شد. قهوه‌چیان، عموماً از میان توده مردم کوچه و بازار برخاسته و

پذیرایی بود. این گونه نقاشی‌های دیواری یا دیوار نگاره‌ها بر سر دروازه‌های بعضی از شهرها و سر در سراها و کاروانسراها و سردر ورودی حمام‌ها و دیوارهای حمام‌ها و فضای درونی بنای زورخانه‌ها نیز دیده می‌شد. مضامین این نقاشی‌ها عامل نیرومندی در پیوند قهوه‌خانه نشینان با فرهنگ گذشتگان و آموزش و رفتار پهلوانی به مردم بود. بعضی از قهوه‌خانه دارها به جای نقشینه کردن دیوارها، فضای قهوه‌خانه‌های خود را با مجموعه‌ای از پرده‌ها و تابلوهای نقاشی می‌آراستند. موضوع‌های نقاشی پرده‌ها نیز همان مضامین دیوار نگاره‌ها بود و رخدادهای حماسی شاهنامه فردوسی و داستان‌نامه‌های دینی ایرانیان را می‌نمایاند. قهوه‌خانه‌های درون شهری قدیمی، بهترین و جذاب‌ترین اماکن عمومی شهرها برای گذراندن اوقات فراغت بودند.

مجموعه‌ای از اشیاء و لوازم با کاربری‌های گوناگون، اسباب قهوه‌خانه را تشکیل می‌دادند. این اسباب و اشیاء را از لحاظ نوع استفاده آنها می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد:

(۱) اسباب و اشیای کاربردی

(۲) اسباب و اشیای تزئینی

اسباب و اشیای کاربردی از جمله مجموعه اسباب نشیمن، اسباب سماور و چای، اسباب دود و دم، اسباب ناهار و شام و صبحانه، اسباب روشنائی، اسباب و اشیای تزئینی، مثل مجموعه

بوده است. آرایه‌های معماری و تزئینی داخل فضاهای قهوه‌خانه‌ها نیز کم و بیش ذوق و احساس زیبا شناسانه فرهنگی و هنری مردم عصر را معرفی می‌نموده است. در عین حال بخش‌های خدماتی و فرهنگی و هنری قهوه‌خانه‌ها، که کاربردی مشابه و مشترک داشته، تقریباً از معماری و آرایه‌بندی یکسان و همانندی برخوردار بوده است. قهوه‌خانه‌های بزرگ و معتبر شهرها، به خصوص قهوه‌خانه‌های تهران، فضای روبازی هم برای پذیرایی مشتریان در فصل‌های گرم داشتند. فضای باز قهوه‌خانه‌ها عموماً درختکاری و گلکاری شده و حوض یا حوضچه‌هایی داشته که آب جوی یا قنات شهر در آن جاری می‌شد. این فضای باز یا حیاط را اصطلاحاً «باغچه» قهوه‌خانه می‌نامیدند. معماری فضای سرپوشیده شماری از قهوه‌خانه‌های سنتی و معتبر قدیم، تقلیدی از سبک و شیوه معماری بینه حمام‌های سنتی قدیم ایران و کمابیش شبیه آنها بوده است. ساختمانی معمولاً با یک ورودی، طاق گنبدی ضربی، ستون‌های سنگی یا آجری، سکوها یا صفه‌های دورادور، ساختمان آجری یا سنگی یا خشت و گلی و جاکفشی‌های زیر سکوها بادخانه‌های قوسی یا جناغی.

دیوارهای جانبی از بالای سکوها تا ارتفاع یک متر با کاشی‌های نقشدار لاجوردی پوشیده می‌شد و یک حوضچه سنگی یا کاشی شده و معمولاً چند فواره و سنگاب در درون و پیرامون آن بود. یک سکوی گرد یا چند ضلعی در وسط بنا یا در کنار دیوار به نقالی و شاهنامه خوانی اختصاص داشت. این سکو معمولاً از آجر یا چوب و معمولاً نیم متر بلندتر از کف زمین ساخته می‌شد. نمای سردر ورودی قهوه‌خانه و فضای داخلی ساختمان سر پوشیده بعضی از قهوه‌خانه‌های قدیم و سنتی را معمولاً با آجرهای ساده و معمولی یا آجرهای تراشیده و نقشدار یا با سنگ و گچ و کاشی تزئین می‌کردند.

آرایه‌ها و نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای

از آرایه‌بندی‌های معمول در فضای سرپوشیده قهوه‌خانه‌ها، نقش و نگارینه کردن روی دیوارها و جرزها و داخل رف‌ها و طاقچه‌های تالار





بیشتر آنان به قشرها و لایه‌های پایین جامعه شهری تعلق داشتند.

قهوه‌چیان را از لحاظ نوع قهوه‌خانه‌ای که می‌گرداندند و چگونگی کار و وظیفه‌شان، به چهار دسته تقسیم می‌شدند:

- ۱) قهوه‌چیان قهوه‌خانه‌های عمومی در شهرها و جاده‌های میان شهری
- ۲) قهوه‌چیان قهوه‌خانه‌ها یا آبدارخانه‌های خصوصی دربار و خانه‌های بزرگان و اعیان شهر.
- ۳) قهوه‌چیان آبدارخانه‌های سرپائی و موقت در مجالس عزاداری و روضه‌خوانی، و جشن‌های عروسی، میهمانی‌ها و تجمعات سیاسی.
- ۴) قهوه‌چیان سیار یا دوره‌گرد

قلیان در قهوه‌خانه‌ها

سابقه استعمال دخانیات در ایران به سالها پس از شیوع آن در میان کشورهای اروپایی که آنها هم ظاهراً از سرخپوستان بومی آمریکای تازه کشف شده فراگرفته بودند، به همان سبک و سیاق (چیق و پیپ) باز می‌گردد. احتمال می‌رود که این پدیده پس از جامعه پذیری آن در کشور همسایه (عثمانی) به ایران رسوخ کرد، همان‌گونه که تدارک و نوشیدن قهوه از این کشور وارد مرزهای ما شد. ولی در بررسی‌های انجام شده محرز گردیده است که قلیان و نحوه بهره‌برداری از آن به عنوان ابزار دود و دم صرفاً ابتکار ایرانی‌ها بوده و بر عکس چیق، به سرعتی عجیب تمامی مرزهای ممنوعه را در هم نوردیده و به عنوان ابزاری همه‌گیر، در میان جامعه نسوان نیز جا افتاده است. این همه‌گیری، دربارهای شاهان و حرمسراها، اندرونی بزرگان و رجال و... را نیز شامل می‌گردید.

قلیان‌کشی در ایران پیشینه‌ای دراز دارد. و در میان اسباب دود و دم، قلیان نزد مردم ایران جایگاه ویژه‌ای داشته است. در هر قشر و گروه زن و مرد، افرادی بودند که به کشیدن قلیان عادت داشتند. قلیان، به‌جز قهوه‌خانه، که پایگاه اصلی آن به شمار می‌رفت، به همه جا و از جمله منازل شخصی راه یافته بود.

قلیان چاق کردن و قلیان‌داری در ایران شغلی شده بود و پرداختن به آن تجربه و مهارت و استادی می‌طلبید. قلیان‌چاق‌کن‌ها یا قلیان‌دارها معمولاً پایگاه و منصبی همسنگ و برابر با قهوه‌چیان در جامعه به دست آورده بودند.

بعضی از قهوه‌خانه‌ها به صنف یا گروه خاصی از مردم اختصاص یافت و میعادگاه یا پاتوق قشرهای مختلف پیشه‌وران، هنرمندان و... شد. در این زمان این واحدهای صنفی فعال، یا وظیفه و کار کرد اجتماعی، فرهنگی و... فعالیت می‌کردند. در جامعه سنتی آن روز کشور، زورخانه نه‌ای مقدس برای پرورش تن و تکامل اندیشه و اخلاق بود پس از جافتادن قهوه‌خانه میان مردم، زورخانه و قهوه‌خانه دو نهاد پیوسته و نزدیک به هم را در راه تقویت روحیه ملی و مذهبی مردم جامعه، که بسیار هم ضروری می‌نمود. مشکل دارند و از آن پس پیشه‌ورانی که در گود زورخانه رفته رفته تن را با میل و کباد و لنگ و... و روان را با آداب و اخلاق جوانمردی ورز می‌دادند، در عرصه قهوه‌خانه، اندیشه را یا شعر، قصه و داستان‌های حماسی و پهلوانی می‌پروردند. بعضی از قهوه‌چیان خود از پهلوانان و ورزشکاران باستانی کار، یا از دسته‌های لوطیان و جوانمردان و فتیان ایثارگر و پیران زورخانه‌ها به شمار می‌رفتند، نقالان و شاهنامه‌خوانان نیز بعضاً وابسته به سلسله‌های درویشی و شماری نیز از پهلوانان زورخانه‌ها بودند. از همین روست که زورخانه و قهوه‌خانه در نزدیکی هر چه بیشتر یافتن جامعه و همگرایی اجتماعی میان ساختارهای خود، در راه آموزش اخلاق و خصلت‌های جوانمردی، منشاء و جایگاه تحول و دگرگونی‌های بسیاری بود، تجمعات صنوف مختلف در قهوه‌خانه‌ها، خود محل مناسبی برای تبادل نظر در امور اجتماعی، اختصاصی با سپاس و... بود، مردم بسیاری از گرفتاری‌های خانوادگی یا صنفی خود را در محافل دوستانه قهوه‌خانه‌ها طرح و گره‌گشایی می‌کردند.

قلیان‌دارها را نیز می‌توان به لحاظ کار و محل خدمتشان به چهار گروه تقسیم کرد:

۱. قلیان‌داران خصوصی دربار و خانه‌های رجال و اعیان و روحانیان و بازرگانان
۲. قلیان‌داران قهوه‌خانه
۳. قلیان‌داران سیار یا دوره‌گرد
۴. قلیان‌داران حمام‌ها

قهوه‌خانه‌ها و نقش اجتماعی آنها

قهوه‌خانه‌ها در ابتدا محل گرد آمدن مردم خوش‌گذران از قشرهای مرفه جامعه و ادیبان، شاعران، رجال درباری و کشوری و لشکری بود. به مرور زمان باریشه گرفتن قهوه‌خانه در جامعه و میان توده مردم و توسعه آن در همه شهرها، مردم از هر طبقه و گروه، به خصوص اهل کار و صنعت و پیشه، برای گذران اوقات به آن روی آوردند.



بخصوص در مجالس شبانه ماه رمضان در نهاد مدنی قهوه‌خانه‌ها آرام آرام، دو مکتب مهم از هنرهای کلامی و تجسمی، نقالی و سخنوری و نقاشی پدیدار شد و به سرعت مراحل تکاملی خود را طی نمود و در هر یک از این عرصه‌ها، هنرمندان نام آوری تربیت یافتند و در این عرصه پهناور مردمی، نقالان با داستانسرایی و شاهنامه خوانی، سخنوران یا مجالس شعر خوانی و مناظره و... و نقاشان یا تجسم نقشه‌های قهرمانان حماسی، ملی و مذهبی و واگوشی رویدادهای اسطوره‌های تاریخی، ملی و مذهبی نقشی بس مهم و غیر قابل انکار در آشنا کردن مردم یا میراث فرهنگی و ادبی خود در دورانهای باستانی و اسلامی داشتند و نهاد قهوه‌خانه نیز بخوبی توانست این یادمانها را در سالهای طولانی در میان عامه مردم زنده و پایدار نگهدارد، اینها تا بودند، هم چون وسیله‌ای نیرومند و تأثیر گذار در انتقال این میراث‌های ارزشمند به توده‌ها عمل کردند و ریشه‌ها و رشته‌های پیوندهای تاریخی فرهنگی یا هنر و مذهبی را از راه و ابلاغ معارف قومی و مذهبی، در میان نسل‌ها استوار و محفوظ نگه داشتند.

اما دریغ و تأسف که در این زمان قهوه‌خانه‌ها که تا چندی پیش کانون‌های نشر و ترویج فرهنگ سنتی و دستاوردهای ادبی و هنری گذشتگان بود و وظیفه و نقش بسیار مهمی در انتظام روابط اجتماعی و یاورهای جمعی و بقای ارزشهای فرهنگ ایرانی اسلامی در میان گروه‌ها و قشرهای مختلف مردم داشته بتدریج رشته‌های پیوند فرهنگی خود را یا گذشته‌ها و سنت‌های قدیم گسسته است. عاملان انتقال فرهنگ و هنر کهن، شاهنامه خوانان، نقالان شیرین سخن، سخنوران خوش قریحه و نقاشان چیره دست از این مکتب رانده شده‌اند. دیرگاهی است که دیگر این پایگاه‌های شعر و ادب به واحدهائی بی‌هویت تغییر یافته و از آن همه شکوفائی و فرهنگ پروری تهی شده است، امروزه این مکاتب میراث‌مند، یه‌دکه‌هایی برای لمیدن و خوردن و نوشیدن و دود و دم بدل شده‌اند و تأسف بارتراز همه بعضاً به کانون‌های فساد و نشر شرارت و بدکاری و بد آموزی.

در گذشته‌های دورتر مردم ایران به دو اصل



مهم پرورشی: یکی پرورش تن و دیگری پرورش جان و روان اهمیت بیشتری می‌دادند. نیرومندی تن و روان و به کار گرفتن رفتار و اخلاق پهلوانی در عرصه زندگی مادی و معنوی نزد توده‌های مردم کوچه و بازار رواج و منزلت والایی داشت. در و دیوار ساختمان زورخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها با نقش و نگارهایی از پیکره پهلوانان اساطیری و حماسی و ملی و مذهبی و صورت شاهان و جوانمردان معروف پوشیده بود. نقال قهوه‌خانه نیز مرشدی بود که حلقه نشینان مشتاق را با داستان‌های حماسی ملی و مذهبی، به وجد می‌آورد.

نقالی و سخن‌سرایی در قهوه‌خانه‌ها
 بر پای مجالس داستان‌سرایی در ایران، پاتوقی فرهنگی و با پیشینه‌ای بسیار کهن است که بخش مهمی از میراث فرهنگ حماسی، ملی، قومی، مذهبی از زبان این گروه داستان‌سرا و قصه‌گو در میان توده مردم ایران انتشار و رواج می‌یافت. در گذشته نقالان و قصه‌گویان معمولاً در فضاهای عمومی و گذرگاه‌های پررفت و آمد شهرها، معرکه می‌گرفتند و نقل می‌گفتند. با پدید آمدن قهوه‌خانه، نقالان مکانی مناسب برای پاتوق و پایگاهی ثابت و درخور برای نقل و نقالی یافتند. از اواسط دوره قاجار به این سو، قهوه‌خانه‌ها همچون یک پدیده اجتماعی در شهرها، به‌خصوص تهران، و میان مردم نقش و جایگاه یافتند. لذا شاهنامه خوانی و قصه‌گویی یکی از برنامه‌های فرهنگی رایج و پر بیننده در قهوه‌خانه‌ها

شد و کار قصه‌گویی و شاهنامه خوانی در قهوه‌خانه‌ها چنان بالا گرفت که هر شب شمار بسیار زیادی از مردم در پای نقل داستان‌سرایی قهوه‌خانه، گرد می‌آمدند.

نقالان و قصه‌گویان قهوه‌خانه‌ها را بر حسب نوع داستان‌هایی که می‌گفتند و میزان چیرگی و ورزیدگی که در نقل و بیان موضوع‌های این گونه داستان‌ها داشتند، می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱) داستان‌سراییان و قصه‌گویان داستان‌های حماسی شاهنامه

۲) قصه‌گویان داستان‌نامه‌های تاریخی - افسانه‌ای مانند اسکندرنامه.

۳) داستان‌سراییان حماسه‌ها و واقعه‌های تاریخی افسانه‌ای و دینی و مذهبی مانند حمزه‌نامه. هر کدام از این سه گروه را نیز می‌توان به دو دسته جدا از یکدیگر تقسیم کرد:

۱) قصه‌گویانی که از روی داستان‌نامه و طومار و در حال نشسته داستان را تعریف کرده و شعرها و واقعه‌ها را شرح و تفسیر می‌کردند.

شاهنامه خوان‌ها از جمع این دسته داستان‌گزاران بوده‌اند. شاهنامه خوان‌ها را اصطلاحاً «نقال مجلسی» هم گفته‌اند.

۳) قصه‌گویانی که داستان‌ها را به کمک حافظه و در حالت ایستاده و همراه با حرکت‌های موزون نمایشی اجرا می‌کردند. این گروه سخن‌سراییان هنرمند را، که در واقع «مقامه‌خوانی» می‌کردند، «نقال» نامیده‌اند. مجلس شاهنامه خوانی و نقل داستان‌نامه‌ها در قهوه‌خانه، مکتبی بود برای انتقال فرهنگ و ادب و آموزش سوم آداب زندگی گذشتگان و اخلاق و روحیه پهلوانی به توده‌ها مردم قهوه‌خانه‌رو که عمدتاً بی‌سواد یا کم سواد بودند.

قهوه‌خانه‌ها و رشد هنرهای کلامی و تجسمی

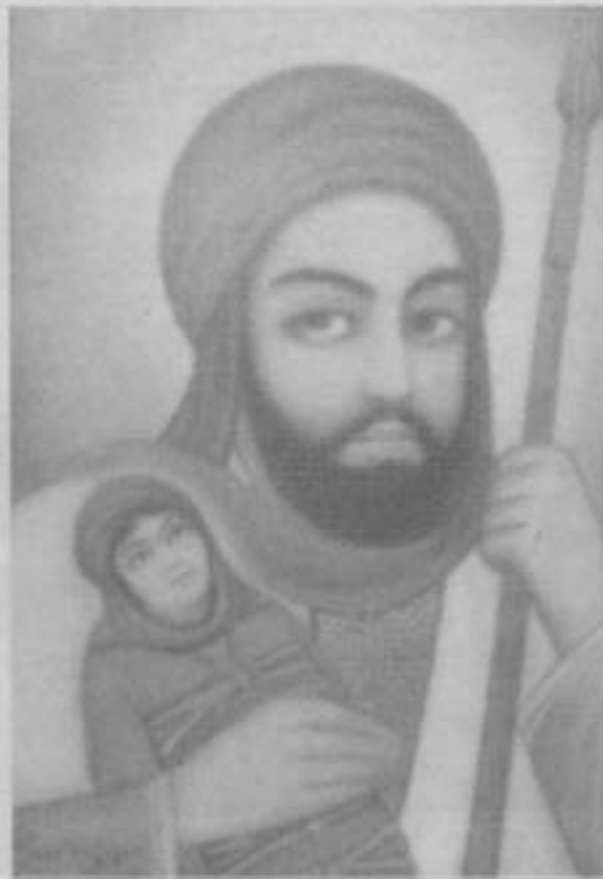
در قهوه‌خانه‌ها دو مکتب مهم از هنرهای کلامی (نقالی و سخنوری) و هنر تجسمی (نقاشی) مجال رشد و بالندگی یافت و در هر یک از این رشته‌ها هنرمندان بزرگی تربیت شدند. نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای یک نوع نقاشی ذهنی و خیالی و متکی بر احساس و برداشت‌های هنرمند از نمایه‌های داستان‌های حماسی و ملی

ایرانیان و داستان‌های مذهبی و وقایع تاریخی است. قید و بند این نقاشان در نقش پردازی‌ها پاسخ به خواست توده مردم و پاسداری از الگوهای رفتاری و نظام‌های دینی - عقیدتی مردم جامعه سنتی‌ای بود که در آن زندگی می‌کردند. موضوع‌ها و مضمون‌های نقاشی‌های قهوه‌خانه‌های همه به گذشته و دوره‌های اسطوره‌ای و حماسی و تاریخی و رخدادهای مذهبی نخستین قرن‌های اسلامی مربوط می‌شود. دوره پیش از اسلام، به خصوص دوره ساسانی، نقاشان هنرمندی بوده‌اند که دیوار ایوان‌ها و تالارها و تنه ستون‌ها و اوراق کتاب‌ها را با چهره‌هایی از قهرمانان جنگ‌آوران و صحنه‌هایی از داستان‌های حماسی و افسانه‌ای نقش و نگارین می‌کرده‌اند. در دوره اسلامی نیز نقشینه کردن سر دروازه‌ها، کاروانسراها، زورخانه‌ها و زیارتگاه‌ها با کاربری‌های اجتماعی و فرهنگی هر یک از این فضاها ساختمانی مرسوم بوده است.

دوره رونق و شکوفایی این شیوه هنر نقاشی در عصر قاجار، به ویژه از اواخر سلطنت این سلسله و در قهوه‌خانه‌های شهرهای بزرگ بوده است. از این رو علل پیدایش این هنر و توسعه آن به ساختمان‌ها و ابنیه و... شاید این نکته باشد که این شیوه نقاشی به نقاشی قهوه‌خانه معروف شده است. بسیاری از نقاشان ساختمان، که برای گذران وقت به قهوه‌خانه‌ها می‌رفتند و گوش به نقل نقالان می‌دادند اوقات فراغت خود را به تجسم صحنه‌های متور در نقل و نوع استنباط خود از حماسه‌های منظوم و منثور می‌گذراندند، کم‌کم از کار نقاشی ساختمان گسسته و به کار نگارگری پرداختند. نقاشی قهوه‌خانه را می‌توان از لحاظ موضوع به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱) نقاشی‌های مذهبی (۲) نقاشی‌های غیر مذهبی
نقاشی‌های مذهبی مجموعه آثار بوجود آمده از چهره‌های پیشوایان و بزرگان دین و مذهب و صحنه‌هایی از جنگ‌ها و نبردهای پیامبر اسلام (ص) و حضرت امیر المومنین (ع) و وقایع کربلا را در بر می‌گیرد.

نقاشی‌های غیر مذهبی: مجموعه‌ای بزرگ از داستان‌های رزمی و بزمی ایرانی را شامل می‌شد که حاوی رخدادهای افسانه‌ای، حماسی،



تاریخی و چهره‌هایی از شاهان و قهرمانان شاهنامه و صحنه‌هایی از میدان‌های نبرد و عرصه‌های عشق و رزوی و دلدادگی قهرمانان بود. هنر در زمان سلسله قاجار، تداوم مستقیم

هنرهای ادوار بلافصل پیشین (نادر شاه افشار، ۱۷۳۶-۴۷/۶۰-۱۱۳۹، و سلسله زند، ۹۴-۱۷۵۰/۱۲۰۸-۱۱۶۳ ق) نبود.

در زمینه نقاشی به شیوه غربی که بر روی پارچه و بوم و یا روی در و دیوار گاخ‌ها و منازل و اماکن عمومی مثل قهوه‌خانه‌ها ترسیم می‌شد، گرچه اغلب نفوذ نقاشی و سبک اروپایی در آنها به وضوح دیده می‌شد، با این حال سبک و مکتب جدیدی به نام مکتب قاجار پنا نهاده شد که بعدها به وسیله کارشناسان ارزشگذاری شد و آثار ذی‌قیمتی بشمار آمدند.

امروزه آثار بسیاری از گذشتگان، بجا مانده که به دلیل قدمت اثر و تکنیک‌های ساخت و از نقطه نظر هنری برای انسان امروزی حائز اهمیت می‌باشد بررسی و شناخت زندگی گذشتگان و آثار آنان تکنیک‌ها و علوم مختلفی را به خدمت گرفته است. از جمله آثاری که از گذشتگان بجای مانده آثار نقاشی قهوه‌خانه‌ای می‌باشد. شناخت هنر گذشتگان از آن جهت برای ما حائز اهمیت است که بوسیله آن مسائل فرهنگی جامعه گذشته خود را شناخته و در جهت نگهداری آن آثار تلاش می‌نماییم.

سبک‌های نقاشی ایرانی بر گرفته از آداب و رسوم و سنت‌های مردم می‌باشد عوامل مختلفی

باعث ایجاد یک سبک با شیوه از هنر می‌گردد. سبک نقاشی قهوه‌خانه‌ای نیز به هم‌چنین، شیوه‌ای که از زمان قاجار شروع و تا زمان پهلوی نیز ادامه یافت.

هنر نقاشی غربی بیشتر به طبیعت سازی می‌پرداخت در صورتی که نقاشی قهوه‌خانه‌ای بیشتر به خیال سازی روی آورد چه بسا هنرمند هرگز مکان‌های ناب طبیعت را ندیده ولی آن را چنان زیبا و خیالی می‌آفریند که هر بیننده‌ای را به شگفتی وادار می‌دارد و با تصویر سازی ذهنی از چهره‌های مقدس و افسانه‌ای ایرانی آنان را برای بار دیگر زنده می‌سازد.

نقاش غربی به زعم خود طبیعت سازی را الزام به رعایت قواعد و قوانین دورنمایی (پرسپکتیو) می‌داند در حالی که خیال سازی به چنین شیوه‌ای کردن نمی‌نهد زیرا برای نقاشی قهوه‌خانه ترسیم دقیق صورت افراد در هر فاصله‌ای که قرار دارند اهمیت دارد.

بطور مثال در بعضی از تابلوها افراد در مکان‌های مختلفی قرار دارند که بعضی از فواصل دورتر در تصویر تابلو می‌باشند ولی صورت‌ها همه نمایان می‌باشد. این شیوه کار را در مینیاتورهای ایرانی نیز می‌توان مشاهده کرد. نقاشی قهوه‌خانه‌ای همه تصاویر را فدای یک تصویر نمی‌کند و تا حد امکان سعی در نمایان کردن تمامی صورت‌ها دارد. عدم رعایت اصول فنی در این نقاشی دلیل بر ضرورت سادگی و همه فهمی آن است. به طور مثال افراد مثبت را



بزرگ و افراد منفی را کوچک می‌کشند تا از این طریق تحسین و تحقیر افراد را نمایان کنند و در نوع رنگ‌آمیزی و طرح اولیه نیز زیبایی‌های سیرت را ملاک قرار می‌دهند.

در واقع هنرمند قهوه‌خانه بدون این که بخواهد از قوانین و اصول نقاشی و طراحی کمک بگیرد با پرداختن به احساسات مردم و خیال پردازی، هنری می‌آفریند که در نوع خود از هرگونه قید و بند آزاد می‌باشد.

معرفی تنی چند از اساتید برجسته نقاشی قهوه‌خانه‌ای

نقاشانی که از پایه گذاران و پیروان سبک نقاشی قهوه‌خانه‌ای بودند و با الهام از کار استادان همه تلاش خویش را وقف ارتقاء و تعالی این سبک از هنر ایرانی نمودند و بعضاً سال‌های طولانی از عمر خود را در این راه صرف کردند. هرچند آثار بسیاری از آنان در حال حاضر وجود ندارد یا شاید امروزه حتی با نام آنان به عنوان هنرمندانی که در این سبک کار کرده‌اند آشنا نیستیم اما برجسته‌ترین آنها:

۱) زنده یاد حسین قوللر آقاسی، استادی به نام و هنرمند و بنیان‌گذار و مبدع سبک نقاشی قهوه‌خانه‌ای که در سال ۱۳۴۵ دارفانی را وداع گفت.
۲) زنده یاد محمد مدبر: شاگرد و همکار استاد حسین قوللر که خود استادی صاحب سبک و پایه‌های مہارتی مثال زدنی در این سبک محسوب می‌گردد.

۳) شادروان علی الوندی همدانی (پدر استاد حسین همدانی)

۴) استاد حسین همدانی.

۵) مرحوم علیرضا قوللر آقاسی (پدر حسین قوللر آقاسی)

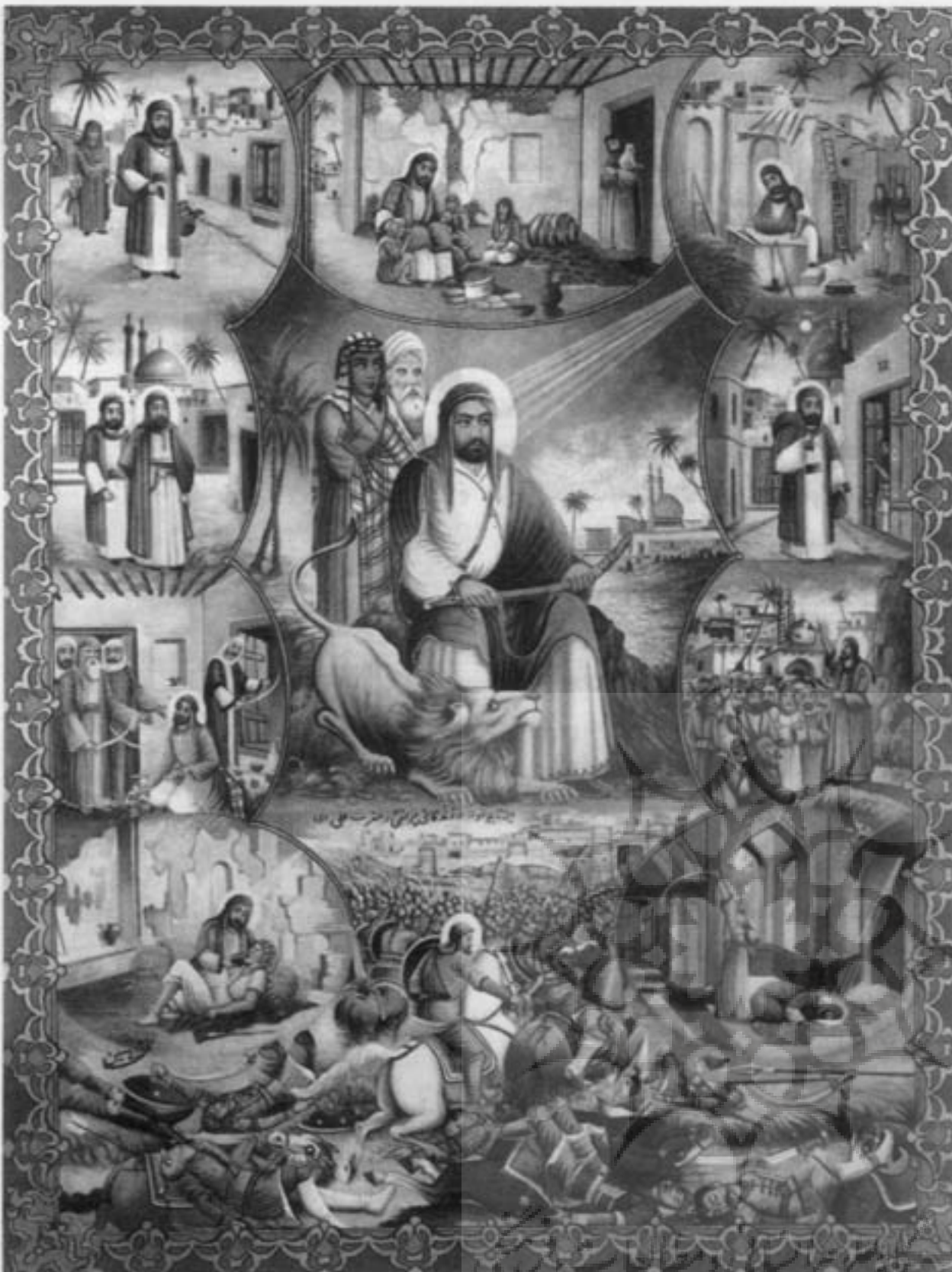
۶) مرحوم سید رسول امامی که استاد علیرضا قوللر آقاسی به شادگردی وی افتخار می‌کند.

۷) مرحوم میرزا مهدی نقاش شیرازی (از شاگردان وی می‌توان حسین همدانی و محمد مدبر را نام برد)

۸) مرحوم میرزا نعمت‌الله بروجردی

۹) مرحوم سید هاشم موسوی اصفهانی

۱۰) حاج رضا عباسی



قهوه‌خانه‌ای هم استادی چیره دست بوده و تابلوهای معروف «جنگ کرنال»^(۱) - مربوط به جنگ نادر شاه، جنگ چالدران، بهشت و... از آثار اوست.

۱۱) حاج حسن اسماعیل زاده «چلیپا»
۱۲) محمد شیخ اصفهانی (محمد صادق): نقاش و قلمدان نگار برجسته، وی که با صادق الوعد نیز کارهایش را رقم می‌زد در نقاشی

۱. قهوه‌خانه‌های سر راهی یا میان‌جاده‌ای، که به آنها جای‌خانه هم می‌گفتند، اکثراً سرپناهی برای استراحت و رفع خستگی مسافران خسته و مانده بین راهی بود. این قهوه‌خانه‌ها معمولاً به دسته و صنفی خاص اختصاص نداشتند و مشتریان آنها رهگذرانی بودند که برای نوشیدن چای و کشیدن قلیان و خوردن صبحانه، ناهار و یا شام به این قهوه‌خانه‌ها می‌رفتند.

۲. در بخش داخل جلد مجله پیام بهارستان شماره ۳ (خرداد ۱۳۸۰) ذیل تابلو جنگ کرنال اطلاعات نادرستی آورده شد که در این مقاله ضمن درج اطلاعات درست درباره تابلوی جنگ کرنال بدینوسیله از خوانندگان پوزش می‌طلبیم. (دفتر مجله)

منابع و مآخذ

- ۱) بلوک باشی، علی، قهوه‌خانه‌های ایران، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۵
- ۲) پاکباز، روین، دایره‌المعارف هنر، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸
- ۳) سیفه هادی، نقاشی قهوه‌خانه، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۶۹
- ۴) کریم‌زاده تبریز، آقای محمد علی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، لندن: ۱۳۶۳-۷۰